

اختلاط زن و مرد نامحرم از دیدگاه مذاهب خمسسه و قانون مجازات اسلامی

مصطفی فالآخ^۱

دکتر سید باقر سیدی بنابی^۲

چکیده

روابط نامشروع پایین تر از زنا از جمله مواردی است که در فقه و حقوق تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نشده است. در این مقاله موضوع « اختلاط زن و مرد نامحرم از دیدگاه مذاهب خمسسه و قانون مجازات اسلامی چه حکمی دارد؟ » مورد بررسی قرار می گیرد. پژوهش حاضر نشان می دهد که قانون جدید مجازات اسلامی در مجازات روابط نامشروع پایین تر از زنا مطابق با احکام فقهی مشهور امامیه می باشد که در هر دو از نظر فقهی روابط نامشروع پایین تر از زنا حرام و از نظر حقوقی مجازات آن تعزیر است. تعیین میزان و تعداد تعزیر بر اساس نوع رابطه‌ی نامشروع با حاکم شرع بوده و با توجه به تفاوت ماهیت موضوع، میزان شلاق نیز باید متفاوت باشد. همچنین حرمت اختلاط زن و مرد نامحرم از امور مسلم در نزد مذاهب بوده و تعزیر بر ارتکاب فعل حرام مقبول در نزد مذاهب خمسسه است؛ هر چند که بین نظرات علمای مذاهب خمسسه در مجازات برخی از مصادیق روابط نامشروع پایین تر از زنا اختلافاتی وجود دارد ولی آنچه مهم است اینکه مفاد روایات وارده در مذاهب خمسسه دلالت بر نهی روابط نامشروع پایین تر از زنا دارد.

واژگان کلیدی: قانون مجازات اسلامی، مذاهب خمسسه، اختلاط زن و مرد نامحرم، روابط نامشروع پایین تر از زنا.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد بناب، رشته‌ی فقه و مبانی حقوق اسلامی.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد واحد بناب.

۱. مقدمه

توسعه‌ی شهرنشینی و گسترش مناسبات اجتماعی و اقتصادی موجب شده است که امروزه بر خلاف گذشته، زن در عرصه‌ی جامعه، حضور گسترده‌ای داشته باشد و به طور طبیعی، این حضور در کلیه‌ی اماکن عمومی و خصوصی، نظیر کلاس درس و محل کار مشهود است و تنها محدود به داشتن رابطه با محارم نمی‌شود. از این رو، مسأله‌ی روابط زنان و مردان، از مسائل بسیار مهم و مورد ابتلاست که باید دیدگاه اسلام در این زمینه روشن شود. با عنایت به اینکه، اسلام دین جامع، جهانی و پاسخگوی نیازهاست و در آموزه‌های خود از مقتضیات زمانه نیز غافل نیست، به طور حتمی، دیدگاه واقع‌بینانه و منصفانه‌ی در این موضوع، مانند همه‌ی موضوعات دیگر دارد که برای نسل امروز در عین اینکه سعادت آفرین است، راهگشا و هدایتگر نیز می‌باشد.

بنابراین، مبارزه با فحشاء و عوامل ابتلاء آن یکی از برنامه‌های اساسی و قطعی اسلام است، در اسلام هرگونه روابط نامشروع جنسی مورد نکوهش شدید واقع شده است.

در قرآن کریم فحشاء به معنای اعم خود مورد تقبیح و نکوهش شدید قرار گرفت و آیاتی در مورد آن نازل شده است که به عنوان مثال می‌توان به آیه‌ی «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْتُمْ كَانُوا فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء، ۱۷، ۳۲) اشاره کرد. جمله‌ی «وساء سبیلاً» شاید دقیق‌ترین تعبیری باشد که قرآن کریم از زنا و سایر روابط نامشروع مانند اختلاط و... نموده است و این جمله منطبق با مبانی اسلام را در مورد مبارزه با فحشاء و خیانت بیان می‌کند.

از این جمله استفاده می‌شود که روابط نامشروع، به هر طریقی که باشد، یک راه طبیعی و خالی از خطر برای اطفاء نیروی جنسی نیست، جامعه‌ای که غریزه‌ی جنسی خود را از طریق ناشایست، اشباع می‌کند در یک جاده‌ی ناهموار و خطرناکی افتاده که عاقبت آن دور افتادن از جاده‌ی عفت و پاکی و فضیلت و نزدیک شدن به پرتگاه هولناک فساد است.

در دین مبین اسلام در مورد روابط زنان و مردان نامحرم، محدودیت‌ها و قیودی قرار داده شده است که طبعاً، به نفع و مصلحت آدمیان و جوامع انسانی است؛ زیرا چنانکه در شرع اسلام معروف است احکام شرعی تابع ملاکات (مصلح و مفاسد) می‌باشند. بنابراین اگر دین اسلام عملی را نهی کرده و آن را حرام دانسته است، به طور قطع ارتکاب آن دارای مفاسدی است و اگر عملی را امر نموده و آن را واجب شمرده است، به طور قطع انجام آن دارای مصالحی است.

تخطی از محدودیت‌ها و قیودی که اسلام در مورد روابط بین یک زن و مرد نامحرم پیش‌بینی نموده است، ارتباط آنها را تبدیل به یک رابطه‌ی نامشروع می‌کند که براساس احکام خمسه‌ی تکلیفی حرام بوده و مطابق قاعده‌ی فقهی «لِکُلِّ مَعْصِيَةٍ تَعْزِيرٌ» یا «كُلُّ فِعْلٍ الْحَرَامِ فَعَلَيْهِ الْعُقُوبَةُ»، باید مرتکبان آن را مجازات نمود. این مجازات گاهی جنبه‌ی «حد» پیدا کرده و گاهی نیز مشمول «تعزیر» می‌شود. بر این اساس قانون‌گذار ایران پس از بیان کلیات مربوط به جرائم و مجازات‌ها، به مباحث حدی پیرامون روابط نامشروع جنسی بین زنان و مردان (زنا) پرداخته است. اما مباحث تعزیری پیرامون روابط نامشروع پایین‌تر از زنا بین زنان و مردان نامحرم (روابط نامشروع پایین‌تر از زنا چه جسمی و چه غیرجسمی)، در ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی بیان شده است. مطابق

ماده‌ی فوق: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه‌ی زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل؛ تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.»

بدیهی است در برخورد با مسائل جنسی نباید راه افراط و یا تفریط را در پیش گرفت که هم صحیح و منطقی نیست و هم شرعی و عقلایی نمی‌باشد. جرائم روابط نامشروع پایین‌تر از زنا دارای عوامل و علل فراوانی است که شناخت هر یک از آنها ضمن اینکه همکاری همه جانبه‌ی جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان و روانشناسان و حقوقدانان را می‌طلبد کمک شایانی در جهت حفاظت جامعه از مفاسدی که دامنگیر آن می‌شود، می‌نماید.

یکی از علل اساسی، ارضای غریزه‌ی جنسی است و مسائلی همچون مشاهده‌ی فیلم‌های شهوت انگیز، مطالعه‌ی کتب و مجلات خلاف اخلاق و شرکت در مهمانی‌های مختلط می‌تواند جوان را تا سر حد ارتکاب جرائم جنسی تحریک و ترغیب نماید. (نقوی، ۱۳۴۸، ص ۶۲) برای مبارزه با انحطاط اخلاقی و جلوگیری از بی‌عفتی هم باید از روش درونی یا اخلاقی و هم از روش بیرونی یا جزایی استفاده کرد. زیرا بسیاری از افرادی که به اصول اخلاقی و مذهبی پایبند نیستند و با ارتکاب عمل مجرمانه آسایش عمومی را از مردم سلب می‌نمایند. بنابراین تنها راهی که برای مقابله به نظر می‌رسد اعمال مجازات برای افرادی است که از مرزهای اخلاقی جامعه، پا را فراتر می‌گذارند و موجبات برهم خوردن نظم آن جامعه را به وجود می‌آورند. (پاد، ۱۳۵۳، ص ۳۸).

با بررسی کلیه‌ی نظرات علمای مذاهب خمسسه یعنی؛ (شیعه‌ی اثنی عشری، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) که برگرفته از روایات متعدّد می‌باشد استنباط می‌گردد که مجازات روابط نامشروع پایین‌تر از زنا به طور قطع تعزیری می‌باشد. و قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران با عنایت به مبانی و مستندات فقهی، برای مقابله با پدیده‌ی مجرمانه‌ی روابط نامشروع پایین‌تر از زنا و عمل منافی عفت با تصویب ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی خواسته است عرصه را بر تبهاران ببندد.

۲. تعریف اختلاط

در لغت، اختلاط به معنی امتزاج و در هم آمیختن است و در اصطلاح به همراهی و حشر و نشر و عدم تفکیک بین مرد و زن در مجامع و اماکن عمومی یا خصوصی نظیر سینما، پارک، خیابان، جشن‌های خانوادگی و غیره اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۵۰۹ و شاهرودی، ۱۴۲۶، ص ۳۰۸)

و همچنین گفته شده است که: «الاختلاط بالشیء؛ الامتزاج به، سواء كان مع التمییز و عدمه» اختلاط: درهم شدن یا درهم کردن دو چیز یا بیشتر. (طریحی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۶)

هر اختلاطی را نمی‌توان روابط نامشروع تلقی کرد، بلکه به طور طبیعی باید همراه با تهییج و تحریک جنسی باشد؛ همانند، اینکه جمعی از مردان و زنان در یک جشن، بدون حفظ حجاب و به صورت نیمه عریان شرکت کنند. سایر اختلاطات که اغلب

لازمه‌ی زندگی دسته جمعی امروزی است و هیچ گونه تحریکات جنسی را به دنبال ندارد، از مصادیق روابط نامشروع خارج است. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ص ۳۰۸)

در زندگی اجتماعی به صورت طبیعی روابطی شکل می‌گیرد؛ مانند رابطه‌ی همسایه با همسایه، دانش‌آموز با معلم، دانشجو با استاد، دولت با ملت.

طبیعی است که اینگونه روابط اجتماعی، همیشه میان هم‌جنس (زن با زن، مرد با مرد) اتفاق نمی‌افتد. در بسیاری از این موارد، رابطه‌ی دو جنس مخالف (زن و مرد) نیز حتمی و قهری است. به طور قطع رابطه‌ی دو جنس مخالف را در دایره‌ی روابط محارم با یکدیگر نیز، نمی‌توان منحصر دانست؛ زیرا انواع روابط میان دو جنس مخالف در میان اقوام و خویشاوندان، رفت و آمدهای فامیلی و نیز در سطح جامعه صورت می‌گیرد.

۲. ۱. پرهیز از اختلاط با نامحرم

اختلاط زن و مرد نامحرم با یکدیگر در محیط‌های گوناگون اجتماعی از محلّ تحصیل گرفته تا محیط اشتغال و ... به صرف اختلاط، معنی ندارد، مگر اینکه عنوان حرام دیگری بر آن منطبق شود، ولی از آنجا که احتمال دارد چنین اختلاطی زمینه‌ی برخی انحراف‌های رفتاری را فراهم سازد، توصیه بر این شده است که این اختلاط‌ها محدود شود.

اختلاط زن و مرد نامحرم می‌تواند نمودهای مختلفی داشته باشد و بسیار می‌شود که در تظاهرات، استقبال از یک شخصیت، مجلس عروسی، تشییع جنازه‌ها و ... چنین اختلاطی که حرام است، رخ می‌دهد. (مجتهد سیستانی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۶)

از منظر اخلاقی نگاه و اختلاط آن چنان بی‌رحم است که نه جوان را می‌شناسد و نه پیر، نه دختر می‌شناسد و نه پسر، نه شهری می‌شناسد و نه روستایی، نه شاه و نه شاهزاده می‌شناسد و نه گدا.

نگاه و اختلاط زلیخا همسر عزیز مصر را شیفته یوسف کرده؛ یوسف را زندانی و زلیخا را رسوا نمود. یک نگاه و اختلاط زنان مصری به یوسف باعث شد تا به جای میوه دست خود را برینند. «...فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ...» (یوسف، ۱۲، ۳۱)

اگر انسان و به ویژه جوان بتواند خود را از این دام برهاند و از لذت پست، نگاه و اختلاط، چشم پوشی کند، به طور حتم شیرینی ایمان را خواهد چشید و خواهد فهمید که لذت همیشه در لذت بردن نیست، بلکه گاهی در ترک لذت است؛ چنان که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «النظر سهم مسموم من سهام ابليس، من تركها خوفاً من الله اعطاه الله ايماناً يجد حلاوته في قلبه؛ نگاه، تیر زهرآلود شیطان است، هر کس به خاطر خداترسی آن را ترک نماید، خداوند ایمانی را به وی می‌بخشد که شیرینی آن را در خویش احساس می‌کند.» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱۰۴، ص ۳۸)

۲.۲. الگوی قرآن در روابط دختر و پسر (اختلاط دختر و پسر)

قرآن کریم با نقل داستان‌های پیامبران و امت‌های پیشین و تقریر آن، در حقیقت درستی عمل مثبت و منفی بودن آن را تأیید کرده است؛ یعنی هر کجا داستانی را نقل نموده و نسبت بدان موضع‌گیری منفی نکرده، به معنای صدور تأیید و جواز عمل بدان است، و هر جا که پس از نقل داستان آن را مورد نقد قرار داده، به معنای رد آن و در حقیقت نهی از عمل به آن است. در خصوص روابط (اختلاط) زن و مرد، دختر و پسر می‌توان به داستان حضرت موسی (ع) و دختران حضرت شعیب پیامبر (علیه السلام) اشاره کرد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ص ۶۰)

۲.۳. حضرت موسی و دختران حضرت شعیب

قرآن کریم در بیش از سی سوره، به نقل داستان حضرت موسی (علیه السلام) پرداخته و در هر مورد به یکی از زوایای زندگی این پیامبر بزرگ اشاره کرده است؛ از جمله داستان آشنایی حضرت موسی (ع) با حضرت شعیب (ع) و دختران او در سوره قصص است. (قصص، ۲۸، ۲۳-۲۷) داستان از آنجا آغاز می‌شود که موسای جوان از مصر به مدین آمد و به کنار چاه آبی رسید. دید مردم مشغول سیراب کردن چهارپایان خود هستند و کمی آن طرف‌تر دو زن مراقب گوسفندان خویشانند و به چاه نزدیک نمی‌شوند: «وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ» موسی از آن‌ها درباره‌ی علت آب ندادن گوسفندانشان پرسید: «مَا خَطْبُكُمَا» چه کار می‌کنید؟ آن‌ها پاسخ دادند: «لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِّرَ الرَّعَاءُ وَابْنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی از {آبگاه} خارج شوند. اینجا بود که حضرت موسی به همیاری آنها شتافت و به آنان کمک نمود: «فَسَقَى لَهُمَا»، موسی به گوسفندان آنها آب داد، اما در کنار آنها نماند و به گوشه‌ای رفت: «ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ» سپس رو به سایه آورد و گفت «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» خدایا، هر خیر و نیکی برای من بفرستی به آن نیازمندم». و این در حالی بود که دختران راه خود را گرفته و به خانه رفتند. دیری نپایید که یکی از دختران شعیب بانهایت حیا به سراغ حضرت موسی آمد: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»، و پیام پدر را به وی رساند، یکی از آن دو دختر که با نهایت حیا گام بر می‌داشت و پیدا بود از سخن گفتنش با یک جوان بیگانه شرم دارد به سراغ او آمد، و تنها این جمله را گفت: «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا؛ پدرم از تو دعوت می‌کند تا پاداش و مزد سیراب کردن گوسفندان ما را به تو بپردازد.» (مکارم، ۱۳۸۶ ج ۱۶، ص ۵۸)

حضرت موسی (ع) درحالی که از جلو و دختر شعیب پشت سر راه می‌رفت، حرکت کرده تا به خانه‌ی حضرت شعیب (ع) رسیدند، حضرت موسی (علیه السلام) داستان گرفتاری خود در مصر و مسائل دیگر را با حضرت شعیب (ع) در میان گذارد. در این میان یکی از دختران پیشنهاد استخدام حضرت موسی (ع) را مطرح کرد: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ» و این برای این بود که آن دختر حضرت موسی (ع) را مردی قوی و امین یافته بود: «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ؛ بهترین کسی که استخدام می‌کنی (شخص) نیرومند دستکار است.»

حضرت امام کاظم (ع) درباره‌ی آیه‌ی: «يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ أَنْ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» فرمود: قال لها شعيب (ع) يا

بَنِيهِ، هَذَا قَوِيٌّ قَدْ عَرَفْتِيهِ بِرَفْعِ الصَّخْرَةِ، الْاَمِينِ مِنْ اَيْنَ عَرَفْتِيهِ؟ قَالَتْ: يَا اُدْبَارَ النِّسَاءِ». (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۹)

حضرت امام کاظم (ع) درباره‌ی آیه‌ی « ای پدر، او (موسی) را اجیر کن؛ زیرا بهترین کسی که اجیر کنی شخصی است که نیرومند و امین باشد» حضرت شعیب به دخترش فرمود دختر کم، نیرومند بودن او را از برداشتن تخته سنگ فهمیدی، اما از کجا دانستی که امین است؟ دختر شعیب گفت: پدر جان، من پیشاپیش او به راه افتادم، اما او گفت: دنبال من بیا و هر جا که اشتباه رفتم مرا راهنمایی کن؛ زیرا ما قومی هستیم که به پشت سر زنان نگاه نمی‌کنیم. (غفاری قمی، ۱۳۹۰، ص ۵۴)

در حدیثی دیگر آمده است: «فَقَالَ لَهَا شُعَيْبٌ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اَمَّا قَوْلُكَ فَقَدْ عَرَفْتَهُ بِسُقَى الدَّلْوِ وَحَدَّةٍ، فَبِمَ عَرَفْتَ اَمَانَتَهُ؟ فَقَالَتْ: اِنَّهُ قَالَ لِي: تَأَخَّرِي عَنِي وَ دَلَّيْنِي عَلَي الطَّرِيقِ؛ فَاَنَا مِنْ قَوْمٍ لَا يَنْظُرُونَ فِي اُدْبَارِ النِّسَاءِ، عَرَفْتُ اَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِي يَنْظُرُونَ فِي اَعْجَازِ النِّسَاءِ فَهَذِهِ اَمَانَتُهُ». (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱۳، ص ۲۹)

در نقلی دیگر آمده است: شعیب به دخترش فرمود؛ نیرومند بودن او را از آن جا دانستی که به تنهایی دلو آب را از چاه بالا کشید، امین بودن او را از کجا فهمیدی؟ دخترش گفت: او به من گفت: دنبال من بیا و راه را نشانم بده؛ زیرا ما از قومی هستیم که به پشت زنان نگاه نمی‌کنند. از این جا دانستم که او از آن جماعتی نیست که به پشت زنان چشم می‌دوزند و این نشانه‌ی امانت و درست کاری اوست.

در نهایت حضرت شعیب پیشنهاد ازدواج حضرت موسی با یکی از دخترانش را به وی می‌دهد: «قَالَ اِنِّي اَرِيْدُ اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ؛ مَنْ مِىْ خَوَاہِمُ كَهْ يَكِيْ اَزْ اَيْنِ دُو دَخْتَرَمُ رَا بَهْ هَمْسَرِيْ تُو دُرْ اَوْرَمُ». (قصص، ۲۸، ۲۳-۲۷)

بر این اساس، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وقتی نماز جماعت را تمام می‌کردند، اندکی صبر می‌کردند تا زنان نمازگزار پیش از مردان از مسجد بیرون روند، آنگاه از مسجد خارج می‌شدند. (سجستانی، ۱۴۱۰، ص ۵۳۳).

یا زمانی که در حال بیرون رفتن از مسجد، اختلاط زنان و مردان را در مسیر مشاهده می‌کردند، به زنان می‌فرمودند: «صبر کنید، هنگام عبور از معابر به گونه‌ای حرکت نکنید که آن را ببینید، بلکه از حاشیه‌ها بگذرید.» (بیهقی، ۱۴۱۵، ص ۱۸۳)

حتی دری را مخصوص رفت و آمد بانوان به مسجد قرار داد. (سجستانی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۳)

بنابراین، باید تا حد امکان از اختلاط زن و مرد بیگانه پرهیز کرد تا از عوارض جانبی و پیامدهای احتمالی آن پیشگیری کرد.

۳. دیدگاه اسلام در مورد اختلاط زن و مرد نامحرم

دین مبین اسلام با اختلاط زن و مرد نامحرم تحت هر عنوان عم از دانشگاه، کلاس‌های کنکور، آموزش موسیقی، تئاتر، کارمند، منشی‌گری و ده‌ها موضوع دیگر به شدت مخالف است و اختلاط زن و مرد نامحرم را منشأ فساد و درد بی‌درمان می‌داند. تجربه هم نشان داده و خود ما انسان‌ها هم متوجه می‌شویم و این مطلب را کاملاً درک می‌کنیم که وقتی با جنس مخالف به عنوان همکلاسی و همکار و هر عنوان دیگر نشست و برخاست داریم، حالت تمایل بیشتر در انسان ایجاد می‌شود و دوست دارد با او هم‌سخن شود و هر روز بر این تماس و ارتباط افزوده می‌گردد. با وسوسه‌ی شیطان و به تدریج تا آنجا پیش می‌رود که دل شیطان

شاد و موجب خشم حضرت حق می‌شود. مگر می‌شود دختر و پسری که هر دو جوان و در بحبوحه‌ی جوانی و در اوج فشار غریزه‌ی جنسی‌اند در یک کلاس قرار گیرند و با چهره‌ی باز و خندان و گاهی آرایش کرده به یکدیگر بنگرند، اما نگاه شهوت‌انگیز به یکدیگر نکنند؟! مگر می‌شود معلم و استادی سر کلاس دختران دبیرستان و یا دانشجو برود و دختر با صدای لطیف و ظریف و گاهی با تبسم و خنده و در مواقعی با ناز و عشوه با او حرف بزند، اما معلم و استاد تحت تأثیر قرار نگیرد و آن مرد فکر و خیالی در سر نپروراند. در میان معلمان و اساتید افراد مؤمن و مقید وجود دارند اما اینها نادرند، و از طرفی شیطان به چه کسی رحم کرده که بیاید به معلمان و اساتید مؤمن رحم کند. او برای هر گروهی راه‌های مخصوصی دارد و برای هر فردی شگردی خاص بکار می‌برد و تا همه را جز معصومین (ع) در لجن‌زار گناه فرو نبرد، دست بردار نیست. اینها حرف خداوند در قرآن کریم از زبان شیطان است. (محمّدی نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹)

وقتی که حضرت یوسف (علیه السلام) پیامبر خدا با زن عشوه‌گری روبرو شد به خداوند گفت: خداوند! زندان رفتن برای من بهتر است از اینکه با این زن روبرو شوم و در عمل هم نشان داد و مدت‌ها زندان را تحمل کرد اما با آن زن روبرو نشد، پیام قرآن و حضرت یوسف (علیه السلام) این است که زندان قابل تحمل است، اما ناز و عشوه و خنده‌ی زن نامحرم قابل تحمل نیست. و لذا در قرآن می‌فرماید: قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ. [یوسف] گفت پروردگارا زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من بازگردانی به سوی آنان خواهم گریبید و از [جمله] نادانان خواهم شد.

قرآن کریم در سوره‌ی یوسف آیه‌ی ۲۴ می‌فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَن رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف، ۱۲، ۲۴) و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او می‌کرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود. وقتی حضرت یوسف (علیه السلام) با همسر پادشاه مصر رو به رو شد اگر ایمان، آگاهی، مقام نبوت و عصمت یوسف و کمک خداوند سبحان نبود، یوسف نیز به آن زن میل پیدا می‌کرد.

«اگر مقام عصمت یوسف نبود و خداوند او را کمک نمی‌کرد، یوسف به طرف آن زن رفته بود.» (همان، ۱۲، ۲۴)

جایی که فریاد اولیای الهی از وسوسه‌های شیطان بلند است و هر لحظه با تضرع و گریه و ناله به خداوند پناه می‌برند، دیگر روشن است که ادارات و کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و مراکز دیگر دولتی و یا خصوصی که زن و مرد نامحرم مخلوط‌اند و رعایت موازین شرعی نمی‌شود، چه وضعی دارند! در این مراکز عده‌ای به خاطر همین اختلاط زن و مرد تحت تأثیر قرار می‌گیرند و دچار گناه می‌شوند، اما قبول ندارند که گرفتار گناه شده‌اند، و دائم حرف‌های شیطان با راهنمایی او از دهانشان بیرون می‌آید. در واقع اینها بلندگوی شیطان هستند. لذا می‌گویند ما با خنده و ناز و عشوه‌ی زن تحت تأثیر قرار نمی‌گیریم، و یا می‌گویند ما نگاه خواهر و برادری نسبت به یکدیگر داریم، و نباید انسان اینقدر خشک مقدس باشد. نتیجه‌ی این بهانه‌های شیطانی آن است که در بعضی از این مراکز روابط نامشروع پایین‌تر از زنا (اختلاط) برقرار می‌گردد. (محمّدی نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷)

برابر آموزه‌های اسلامی، زن و مرد بیگانه می‌توانند با حفظ شئون و حجاب با یکدیگر روابط اجتماعی برقرار کنند؛ ولی از آنجا که نیروی غریزه‌ی جنسی در انسان قوی است و به طور طبیعی به جنس مخالف تمایل دارد، توصیه‌ی شریعت به منظور پیشگیری از بزه بر این است که روابط دو جنس مخالف به ویژه در دوره‌ی جوانی تا جائیکه امکان دارد محدود شود، و چنانچه ضرورتی آن را اقتضا نمی‌کند، صورت نگیرد؛ زیرا رابطه باید برای کاری و رفع نیازی باشد؛ بنابراین وقتی نیازی اجتماعی، برقراری ارتباط فردی را توجیه نکند، احتمال به وجود آمدن برخی افکار نادرست و وسوسه انگیز در طرف مقابل زیاد می‌شود که در بسیاری از موارد، لغزشهای خطرناکی را به دنبال دارد.

حضرت علی (ع) می‌فرمود «عِبَادَ اللَّهِ! اَعْلَمُوا... مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ تَدْعُوا إِلَى الْبَلَاءِ وَ يَزِيغُ الْقُلُوبَ وَ الرَّمَقُ لَهُنَّ يَخْطَفُ نُورَ ابْصَارِ الْقُلُوبِ وَ لَمَحُّ الْعَيْونِ مَصَانِدُ الشَّيْطَانِ.» «ای بندگان خدا! بدانید که... گفتگو و اختلاط مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد. و دلها را منحرف می‌سازد. و پیوسته به زنان چشم دوختن، نور دیده‌ی دلها را خاموش می‌گرداند، و همچنین با گوشه‌ی چشم به زنان نگاه کردن از حيله و دام‌های شیطان است. (منظور از با گوشه‌ی چشم نگاه کردن آن است که شیطان ملعون گاهی انسان را وسوسه می‌کند و می‌گوید: یک لحظه به این زن بنگر و فوری چشمت را بر گردان! که همین کار باعث نگاه‌های بعدی و مقدمه‌ی گناهان بزرگ خواهد شد.» (مجلسی، ۱۳۷۶ ج ۷، ص ۲۹۱، ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۴۹) (محمدی نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۶۳)

از حضرت علی (ع) روایت شده است: «من سبقت گرفتن در سلام به زنان جوان را نمی‌پسندم.» (کلینی، ۱۳۸۸ ج ۴، ص ۴۶۴، ترجمه فارسی)

حضرت امام صادق (ع) فرمود: رسول گرامی اسلام (ص) به زنان سلام می‌کرد و آنها نیز جواب می‌دادند ولی حضرت علی (ع) (تنها) به زنان غیر جوان سلام می‌کرد و به زنان جوان خوش نداشت سلام کند و می‌فرمود: «أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِمَّا أَطْلُبُ مِنَ الْإِجْر» می‌ترسم صدای زن جوان در هنگام جواب سلام، در من اثر گذارد و (گناه) این اثر صدا بیشتر از ثواب سلامی باشد که به دنبال آن هستم. (کلینی، ۱۳۸۸ ج ۴، ص ۴۶۴، ترجمه فارسی) (محمدی نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۶۴)

می‌دانیم که حضرت علی (علیه السلام) معصوم بود و شیطان قدرت نزدیک شدن به محور وجود مقدسش را نداشت، ولی یک انسان کامل مانند حضرت امیر (علیه السلام) می‌خواهد هیچ روزنه و راهی برای شیطان باقی نگذارد و او را برای همیشه از مکر و حيله ناامید سازد. به علاوه آن بزرگوار با این سخن به شیعانیش هشدار داد و خطر این موضوع را بیان نمود که ای پیروان من مسئله‌ی روابط (اختلاط) مرد با زن نامحرم را جدی بگیرید تا شیطان شما را فریب ندهد و تا می‌توانید با زن نامحرم هم سخن نشوید که بسیار خطرناک می‌باشد.

عدم وجوب نماز جمعه بر زن، و عدم توصیه‌ی او به حضور در نماز جماعت، در این باره قابل ارزیابی است. تأکید اسلام بر حضور اجتماعی زن همراه با توصیه به او درباره‌ی حفظ ورع و تقواست: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ...» (أحزاب، ۳۳، ۵۳) و زمانی که از همسرانش (زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

متاعی (چیزی) خواستید، از پشت پرده و حجابی (حایل) از آنان بخواهید، که این برای قلب‌های شما و قلب‌های آنان پاکیزه‌تر است.»

و آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ...» (نور، ۲۴، ۶۰) و پاکدامنی برای آنان بهتر است؛ این آیات و آیات دیگر دلالت می‌کنند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک برخوردهای غیر ضروری در محیط‌های اجتماعی را رعایت کنند، به تقوا و پاکی نزدیکتر است.

احترام به شخصیت زن و حفظ حریم محیط‌های زنانه از نظر اسلام، تا حدی است که رسول خدا (ص) از داخل شدن مردان بر جمع زنان بدون اجازه‌ی آنها نهی فرموده است: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجَالُ عَلَى النِّسَاءِ إِلَّا بِإِذْنِهِنَّ.» (کلینی، ۱۳۸۸، ص ۵۳۸)

اسلام برای هر نوع حضور اجتماعی زن و اختلاط و معاشرت او با مردان، بایدها و نبایدهای اخلاقی را توصیه می‌نماید. درباره‌ی حضور اجتماعی زن این قید بیان شده است: «باید از هر آنچه منجر به فتنه و فساد می‌شود، اجتناب کرد.» مطالعات دانشمندان تربیتی نیز نشان داده، مدارسی که در آن دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، و مراکزی که مرد و زن در آن کار می‌کنند و بی‌بندوباری در آمیزش آنها حکمفرما است، کم‌کاری، عقب افتادگی، و عدم مسؤولیت به خوبی مشاهده شده است. (مکارم، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۴۴۵)

۴. بررسی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها

درباره‌ی اختلاط یا عدم اختلاط زنان و مردان، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد که هر یک ادله و استدلال‌های خاص خود را دارند که در یک جمع بندی می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

۴-۱. الف) ارتباط در حدّ ضرورت

یک مبنا این است که در ارتباط، اصل بر اضطرار یا ضرورت است. یعنی تا در جامعه ضرورتی نباشد و موقعیت اضطرار به وجود نیامده باشد، بهتر است زن و مرد، با یکدیگر ارتباط نداشته باشند. (فاخر، ۱۳۹۰، ص ۱۶).

مطابق این دیدگاه، هر نوع اختلاط میان زن و مرد جز در صورت اضطرار ممنوع است؛ زیرا رابطه‌ی میان این دو، رابطه‌ی آتش و پنبه است و برای دوری از خطر، عقل حکم می‌کند که این دو، هر چه بیشتر، از همدیگر دور نگه داشته شوند. بر این مبنا، هر نوع ارتباطی میان دو جنس مخالف، ممکن است باعث جرقه‌ای شود که کنترل آن در اختیار هیچ یک از دو طرف نباشد. از این گذشته، تأثیرات منفی اختلاط با نامحرم و هر نوع مصاحبت با وی، در روح انسان قابل انکار نیست.

دیدگاه مذکور در تأیید صحّت مدّعی خویش، پاره‌ای از روایات را با تفسیری خاصّ نقل می‌کند که از آن جمله است:

در روایتی از حضرت زهرا (ع) آمده است: «قالت فاطمة الزهراء خير للنساء ان لا يرين الرجال، و لا يراهن الرجال» (بهترین حالت برای زنان این است که (بدون ضرورت) مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز آنها را ننگرند.) (حرعاملی، ۱۳۸۷ ج ۲۰، ص ۶۷)

و حضرت علی (علیه السلام) در سفارش‌های خویش، به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌فرماید: «الرأى فى المرأة و إياك و مشاورة النساء فإن رأين إلی أفى (أفى) و عزمهن إلی و هن و أكف عینهن من أبصارهن بحجابك إياهن، فإن شدة الحجاب أبقى عليهن و ليس خروجهن بأشد من إدخالك من لا يؤثق به عليهن و إن استطعت ألا يعرفن غيرك فافعل و لا تملك المرأة من أمرها ما جاوز نفسها، فإن المرأة ریحانة و ليست بقهرمانه و لا تغد بكرامتها نفسها» (نهج البلاغه، ۱۳۸۴، نامه ۳۱)

اگر می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد (ظاهراً، مقصود نامحرمان است تا نامحرمان را ننگرند). هیچ چیز بهتر از خانه، زن را حفظ نمی‌کند. همان‌طور که بیرون رفتن آنان از خانه و اختلاط با مردان بیگانه در خارج از خانه، برای آنها مضر و خطرناک است، وارد کردن مرد بیگانه نزد آنان در داخل خانه و اجازه‌ی معاشرت دادن به او نیز مضر و خطرناک است. اگر بتوانی کاری کن که زنان غیر از تو را نشناسند.

۴-۲. ب) ارتباط آزاد

این دیدگاه برخلاف دیدگاه اول در عرصه‌ی تفریط غلتیده است. صاحبان این نظریه بر این باورند که ایجاد هر نوع محدودیت و ممنوعیت در ارتباط میان زن و مرد، باعث برانگیختن حساسیت، افزایش التهاب و اشتیاق آنان می‌شود. انسان براساس اصل «الإنسان حریص علی ما منع»، وقتی در موردی با منع و محدودیت مواجه می‌شود، نسبت به آن حریص‌تر و کنجکاوتر می‌شود. از این رو، بهتر است که نحوه‌ی اختلاط دو جنس مخالف همانند اختلاط دو جنس موافق باشد. از این گذشته، اوضاع حاکم بر جامعه جهانی، جدایی دو جنس مخالف را از هم ناممکن کرده است؛ زیرا عصر حاضر، عصر ارتباطات و اطلاعات است. همانگونه که در این عصر، فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب به گفتگو و ارتباط میان هم تن داده‌اند، باید ارتباط و مصاحبت میان همه‌ی افراد بشر را، فارغ از جنسیت، نژاد، رنگ، دین و مذهب، پذیرفت. (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۴۵۸)

نقد و بررسی ارتباط آزاد

این نظریه که ممنوعیت ارتباط و اختلاط، باعث افزایش التهاب‌ها می‌شود و برای مهار کردن غریزه‌ی جنسی و کاستن از حساسیت باید هر گونه اختلاطی را مجاز دانست، نه با تجربه و واقعیت‌ها سازگاری دارد و نه با علم هم‌خوانی دارد. آیا در دنیای غرب که هر گونه اختلاطی مجاز دانسته شده، حرص و آز جنسی کم شده است و روابط نامشروع و بی‌بندوباری‌های اخلاقی رو به کاهش نهاده است؟ فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل روتق خود را از دست داده‌اند؟ سقط جنین‌ها و تولد فرزندان نامشروع مهار شده است؟ آیا بر روابط نامشروع دو جنس مخالف، روابط نامشروع هم‌جنس‌بازی افزوده نشده است؟!

اشتباه برخی از دانشمندان غربی مانند برتراند راسل و فروید، در این بوده است که غریزه‌ی جنسی را همانند میل به آب و غذا و خواب دانسته‌اند که با برآوردن آن، می‌توان از دست آن رهایی یافت. در حالی‌که آزاد گذاشتن غریزه‌ی جنسی، باعث شعله‌ورتر شدن آن می‌شود. علاوه بر این، در دیگر نیازهای غریزی، مانند نیاز انسان به آب و غذا نیز محدودیت لازم است؛ از هر آبی نمی‌توان نوشید، از هر غذایی نمی‌توان تناول کرد؛ آیا کسی به خود حق می‌دهد که غذای متعلق به دیگری را تنها به این دلیل که نیاز غریزی وی اقتضا می‌کند، تصاحب نماید؟

شهید بزرگوار علامه مطهری (ره) در این رابطه سخن زیبایی دارد: «اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته‌اند، تنها راه آرام کردن غرایز، ارضاء و اشباع آنهاست. اینها چون یک طرف قضیه را خوانده‌اند، توجه نکرده‌اند که همان طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات در آوردن، آن را دیوانه می‌سازد.

به عقیده‌ی ایشان برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن. و در ادامه فرموده‌اند که: و اما اینکه می‌گویند: «الإنسانُ حَرِيصٌ عَلَى ما مُنِعَ» مطلب صحیحی است ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود. به اصطلاح، تمنای چیزی را در وجود شخص، بیدار کنند و آنگاه او را ممنوع سازند...» (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۴۶۰)

۴.۳. ج) ارتباط در حد اعتدال

از دیدگاه اسلام، اختلاط میان زن و مرد فی نفسه ممنوعیتی ندارد. طبیعی است، در جامعه‌ای که معمولاً نیمی از آن را جنس مرد و نیمی دیگر را جنس زن تشکیل می‌دهد، چاره‌ای جز اختلاط دو جنس مخالف با همدیگر نیست. به تعبیر دیگر، اجتماع، مجموعه‌ای از زنان و مردان است و قابل تقسیم به جامعه‌ی مردان و جامعه‌ی زنان نیست.

برحسب دیدگاه اسلام، زن و مرد باید با نگاه به شخصیت انسانی هم، که به طور قطع در روابطی سالم خود را نشان می‌دهد، در تعاملات اجتماعی حضور یابند. عایقی مفید و مؤثر به نام هویت انسانی وجود دارد که سبب ایجاد جریانی سالم و آسیب‌ناپذیر در روابط میان زن و مرد می‌شود. بر این مبنا، مرد باید در زیرساخت‌های فکری خویش، تصویر درستی از زن به عنوان یک شخصیت ارجمند، پاک، با کرامت و با حرمت داشته باشد و زن نیز باید در روساخت‌های رفتاری‌اش که وجوه ارتباطی او را در پوشش، گفتار و حرکات نمایان می‌کند، حرمت و کرامت زن بودن خود را نشان دهد. این تنها طریقی است که زن می‌تواند مقام و موقعیت خویش را در برابر مرد حفظ نماید. زن هر اندازه متین‌تر، باوقارتر و عفیف‌تر رفتار کند و خود را در معرض نمایش برای مرد قرار ندهد، بر حرمت و کرامتش افزوده می‌شود.

بنابراین، اسلام دیدگاهی برخلاف دیدگاه‌های پیشین ارائه داده و معتقد است که اعتدال در اختلاط زن و مرد آن است که از هر گونه افراط و تفریط پرهیز شود؛ یعنی نه چنان سخت‌گیرانه و تنگ‌نظرانه برخورد شود که در نگاه عرف و عقلا به هیچ وجه

قابل عمل نباشد و نه چنان سهل گیرانه نظر داده شود که باعث پی آمدهای ناگوار و منفی شود. معیار و میزان، ارتباط درست و سالم با حفظ همه حریم‌هاست. اسلام دین فطرت است. فطرت، مبتنی بر اعتدال است و از افراط و تفریط گریزان است. اسلام در مسأله‌ی اختلاط دختر و پسر یا زن و مرد، نه آنچنان سخت گیرانه نظر می‌دهد که هر گونه ارتباط گفتاری، دیداری و شنیداری را ممنوع کند و نه آنچنان ولنگارانه و تساهل مآبانه نظر می‌دهد که هرگونه ضابطه و حریمی را در اختلاط با دو جنس مخالف غیر محارم، بی‌اعتبار اعلام کند. (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۴۶۱)

۵. اختلاط در روایات

با نگاهی به روایات می‌توان به حساسیت و دقت ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) در اختلاط زن و مرد نامحرم به خوبی پی برد؛ که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «ایاک و محادثه النساء فانه لایخلوا رجل بامرأة لیس لها محرماً الا هم بها» از گفتگو و اختلاط با زنان بپرهیز. به راستی هیچ مردی با زن نامحرمی در خلوت سخن نمی‌گوید مگر اینکه در دل او نسبت به وی رغبت پیدا می‌کند. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ ج ۴، ص ۳).

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بین مردان و زنان نامحرم جدایی ایجاد کنید (تا با هم برخورد و تماس نداشته باشند) زیرا هنگامی که آنان رو در روی یکدیگر قرار گرفتند و با هم رفت و آمد داشتند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت.» (مجلسی، ۱۳۶۳، ص ۳۷).

امام علی (ع): «اختلاط و گفتگوی مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد، و دل‌ها را منحرف می‌سازد.» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

از منظر آموزه‌های دین، دین‌شناسان و دین باوران، از جمله از دیدگاه محدث و فیلسوف بزرگ فیض کاشانی، اختلاط زن و مرد امری ناپسند، چالش‌آفرین و آسیب‌زا است. در اینجا به برخی از روایات مورد استناد وی (فیض کاشانی) بسنده می‌کنیم:

۱. دو روایت تقریباً به یک مضمون را در «باب الغیرة» وافی آورده اما شیخ حرّ عاملی آنها را در باب اختلاط ذکر کرده است و به هر حال هر دو مربوط به این بحث است.

«یا اهل العراق! بُئیتُ انّ نساءکم یدافعن الرجال فی الطریق، اما تستحون؟ (مجلسی، ۱۳۷۶ ج ۷۶، ص ۱۱۵) روزی حضرت امیر المؤمنین امام علی (ع) روی منبر رفتند و خطاب به مردم عراق می‌فرمایند: «ای مردم عراق! به من گزارش رسیده (چنین با خبر شدم) که زنان شما (هنگام راه رفتن) در کوچه و بازار با مردان برخورد می‌کنند (تنه می‌زنند)، چرا شرم ندارید؟ آیا حیاء نمی‌کنید؟».

و این وضع در تمام مکان‌های شلوغ، حتی حرم‌های مقدسه که آدمی برای پاک شدن و به دست آوردن نور معنویت به آنجا می‌رود، بسیار دیده می‌شود. آمده ثواب کند، خود و دیگران را به آتش جهنم کباب می‌کند!

ایشان در روایت دیگری می‌فرماید: «چرا خجالت نمی‌کشید و غیرت ندارید؟ زنانان در کوچه و بازار می‌آیند و مزاحم مردان خوش هیكل می‌شوند.»

تعبیر امام امیر مؤمنان (ع) این است که اختلاط زن و مرد، از حوزه‌ی دین و دینداری و بلکه از حوزه‌ی غیرتمندی و مردانگی خارج است. در مقابل، وجود حریم میان زن و مرد امری پسندیده، شایسته و بایسته است و خیر زن در آن است و این مفاد از روایات ذیل به دست می‌آید.

۲. پیامبر گرامی (ص) از فاطمه زهرا پرسید: «خیر و خوبی زن در چیست؟» پاسخ داد: «خیر للنساء ان لایرین الرجال، و لایراهن الرجال» «اینکه او مرد نامحرمی را نبیند و مرد نامحرمی نیز او را نبیند.» حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) سخن فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را پسندید و او را تحسین کرد و به سینه خود چسبانید. (فیض کاشانی، ۱۹۸۳، ص ۱۹۴).

همین مضمون به گونه‌ای دیگر نیز نقل شده که امام علی (علیه السلام) می‌گوید: در محضر مبارک رسول خدا بودیم. ایشان پرسید: «چه چیزی برای زنان خیر و نیکوست؟» کسی نتوانست پرسش حضرت را پاسخ دهد. من به خانه بازگشتم و آنچه بر ما گذشته بود به محضر حضرت فاطمه (سلام الله علیها) گزارش دادم. حضرت زهرا (سلام الله علیها) گفت: «من پاسخ پرسش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می‌دانم. خیر و خوبی زن در این است که مردان نامحرم او را نبینند و او نیز نامحرمان را نبیند.»

تا این پاسخ را شنیدم، به حضور رسول خدا (ص) بازگشتم و پاسخ سؤال را دادم، فرمود: «این جواب از کیست؟» گفتم: «از فاطمه (ع) فرمود: «ان فاطمة بضعة منی» فاطمه پاره تن من است.» (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۴)

سخن رسا و زیبای بانوی بزرگ اسلام، که مورد تحسین و تأیید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار گرفت، سرمشق تمامی زنان در تمام زمانها و زمینهاست. این سخن هرگز دستخوش تغییر نیست؛ زیرا سخن از زن است، نه زن دیروز یا امروز. ارزش این سخن در جامعه مدرن امروز آشکار است؛ زیرا آشکار شده که چگونه اختلاط، کرامت زن را به کلی نابود ساخته است.

۵. ۱. راهکارهایی برای جلوگیری از اختلاط زنان و مردان نامحرم

ائمه‌ی معصومین (ع) برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد نامحرم، راهکارهایی را بیان کرده‌اند. پیامبر گرامی اسلام (ص) - برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد نامحرم فرمان دادند:

۱. هنگام راه رفتن، زنان از وسط کوچه عبور نکنند، بلکه کنار کوچه و دیوار را برگزینند. این مضمون در سه روایت آمده است. (همان، ۱۳۸۸، ص ۲۶۵).

۲. مردان، سرزده و بدون رخصت خواستن، وارد خانه‌ای که زن در آن است نشوند، بلکه چند بار رخصت بخواهند و چون آمادگی صاحب خانه اعلان شد، وارد شوند. این مطلب، از حدیث ورود جابر به همراه رسول خدا (ص) به خانه حضرت زهرا (ع) به دست می‌آید. (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۴).

۳. رسول خدا (ص) از زنان بیعت گرفتند که در خلوت و تنهایی با مردان نامحرم نشینند. «لا یقعدن مع الرجال فی الخلاء» (حرّ عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۹۹).

۴. پیامبر اعظم (ص) بر حفظ حریم میان مردان و زنان تأکید کردند. عایشه و حفصه دو تن از زنان پیامبر اکرم (ص) در محضر شریف ایشان بودند. شخص نابینایی به نام ام مکتوم وارد شد. حضرت فرمود: برخیزید و به اتاق خود بروید. آن دو گفتند: او نابیناست! ولی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «اگر او شما را نمی بیند، شما او را می بینید.» (حرّ عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۱۰۰).

۵. در روایات اهل بیت نیز بر حفظ حریم میان زن و مرد تأکید شده است. محمد بن الطّیّار می گوید: وارد مدینه شدم و کالایی برای فروش آورده بودم. در پی این بودم که خانه ای بیابم و آن را اجاره کنم. نشانی خانه ی بانویی را به من دادند. دیدم این خانه دو اتاق دارد. اتاقی برای صاحب خانه که زن جوانی بود و اتاقی دیگر برای سکونت مستأجر. آن زن از من خواست اتاق را اجاره کنم، گفتم: من جوانم و میان این دو اتاق فقط یک در حایل است. او گفت: من در را قفل می کنم. نظر او را پسندیدم و کالای خود را در اتاق نهادم و بدو گفتم: در را قفل کن، گویا امتناع داشت. پس خدمت امام صادق (ع) رسیدم و از آنچه بر من گذشته بود گزارش دادم. حضرت فرمود: آن خانه را کرایه نکن؛ زیرا زن و مرد نامحرم در مکان خلوت، سرانجام به گناه کشیده می شوند. (حرّ عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۱۰۱)

۶. ناگفته پیداست در موارد ضرورت، استثنا وجود دارد. شخصی از امام باقر (ع) پرسید: حادثه ای برای زنی رخ داده و دست و پای او شکسته یا مجروح شده و برای درمان او پزشک مرد از زن درمانگر مناسب تر است، آیا پزشک در موقع معالجه و درمان می تواند به آن زن بنگرد؟ امام (ع) فرمود: «اگر چنین باشد، رواست.» (همان)

۶. استفتائات

فقهائ شیعه ای اثنی عشری فتوی به کراهت اختلاط زنان و مردان داده اند، مرحوم آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (قدس سرّه) در عروه الوثقی فصل اوّل مسئله ی ۴۹ می گوید: (یکره اختلاط الرجال بالنساء الا للعاجز) مختلط شدن مردان و زنان مکروه است مگر در مورد پیر زنان. (طباطبائی یزدی، [بی تا]، ص ۶۰۷)

سؤال- زنی که می خواهد به تحصیل خود ادامه دهد که بعدها شغلی حلال انتخاب کند، ولی فعلاً ادامه ی تحصیل ملازم با این است که با نامحرم روبرو شود، مثلاً نزد دبیر و استاد مرد درس بخواند یا اینکه با مردها در یک کلاس (در محیط اختلاطی) باشد چنین تحصیلی جایز است یا نه؟

حضرت امام خمینی «ره»: ادامه ی تحصیل در رشته های حلال اشکالی ندارد و لیکن تستر (پوشش داشتن) از اجانب و خودداری از اختلاط با آن لازم است. و اگر ادامه ی تحصیل مستلزم اختلاط با اجانب باشد و مفسد دینی و اخلاقی در برداشته باشد، ترک کند. (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۷۶)

حضرت آیت‌الله‌العظمی بهجت(ره): اختلاط زن و مرد جایز نیست.
حضرت آیت‌الله‌العظمی شیخ جواد تبریزی: اختلاط زن و مرد که معرض فساد باشد جایز نیست. اختلاط زن و مرد چنانکه مورد التذاذ جنسی و موجب تحریک شهوت باشد جایز نیست.
حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: اختلاط زن و مرد اگر مستلزم امر حرامی مثل نگاه مستقیم زن و مرد یا تماس بدنی باشد جایز نیست.
حضرت آیت‌الله‌العظمی سیستانی: اگر مفسده مترتب باشد جایز نیست.
حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم: اگر منشأ مفسد خاصی گردد جایز نیست. (استفتاء از دفتر مراجع، محمدی نیا، ۱۳۸۵، ص ۳۰۱).

۷. اختلاط در فقه و قانون مجازات اسلامی

از آیات قرآن کریم و احادیث ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) و فتاوی مراجع عظیم الشان که بیان شد، معلوم می‌شود که جز در موارد ضروری، اسلام به شدت با اختلاط زن و مرد نامحرم و رفت و آمد آنان با یکدیگر مخالف است. تا جایی که اختلاط زن و مرد نامحرم را در هر جا اعم از محل کار و شرکت و مغازه و... باعث نزول بلا و سبب بروز دردها و مشکلاتی می‌داند که آن دردها و مشکلات درمان نخواهد شد. مگر اینکه زن و مرد از هم جدا باشند به گونه‌ای که سازمان و اداره، رئیس و مجموعه‌ی آن همه از بانوان باشند. اما در صورتی که در ادارات و شرکت‌ها و کارگاه‌های خصوصی و مغازه‌ها مرسوم است که زنان و مردان نامحرم با هم کار می‌کنند و گاهی یکدیگر را همکار خطاب می‌نمایند، اینها همه گناه و حرام و موجب تحریک غریزه‌ی جنسی و مقدمه‌ای برای بسیاری از گناهان و مشکلات اخلاقی و اجتماعی خواهد شد. و اختلاط زن و مرد نامحرم منشأ بسیاری از گناهان است.

در قانون مجازات اسلامی اختلاط زن و مرد نامحرم یکی از عناوین مجرمانه است با این مبنا که: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه‌ی زوجیت نباشد مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد.» (قانون مجازات اسلامی، ماده‌ی ۶۳۷)

۸. اختلاط از منظر مذاهب اربعه (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی)

در میان فقهای اهل سنت نظرات گوناگونی در مورد مسأله نگاه به نامحرم وجود دارد. و این اختلاف نظر را می‌توان از اختلاف آراء آنها به دست آورد. چون در مذهب مالکی و مذهب شافعی، فقط نگاه به چهره و دست زنان نامحرم مجاز است، ولی در مذهب حنبلی، نگاه به صورت، دست و گردن زنان جایز می‌باشد. و ابوحنیفه به یک نقل، وجه و کفین، و به نقل دیگر قدمین (پاها تا مچ) را نیز در محدوده‌ی مباح نظر می‌داند. به جز این آراء نظرات دیگری نیز در فقهای بعدی اهل سنت دیده می‌شود، مثلاً

داود ظاهری، پیشوای فرقه‌ی ظاهریه، نگاه به همه‌ی بدن را اجازه می‌دهد. اما با وجود این اختلاف آراء در مورد نگاه به زن نامحرم، همه‌ی فقهای مذاهب اربعه اختلاف زن و مرد نامحرم و حضور زنان در جامعه را جایز نمی‌دانند. (جزیری، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۳۵۷)

مسأله‌ی حضور زن در جامعه و اختلاط با مردان با نقش اصلی زن در خانواده به عنوان مرئی و تأمین‌کننده‌ی نیازهای عاطفی اعضای خانواده متضاد می‌باشد.

اما فقهای امامیه با اختلاط و حضور زن در جامعه در صورتی که منجر به رابطه‌ی نامشروع نشده و خوف از گناه نباشد و همچنین در صورتی که باعث تزییع حقوق خانواده نشود، موافقت می‌کنند.

از دیدگاه مذهب امامیه، اصل اختلاط و حضور زنان در جامعه تا زمانی که ترس از گناه نباشد، نه تنها منع نشده، بلکه شواهد و ادله‌ی فراوانی بر جواز آن می‌توانیم بیابیم؛ از جمله آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی «نساء» که خداوند می‌فرماید: «...لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ...». (نساء، ۴، ۳۲)

در این آیه، حلال بودن اکتساب و تحصیل درآمد مفروض گرفته شده، سپس درباره‌ی مالکیت درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است. شرایط و محیط حضور اجتماعی بانوان در میان مردان نامحرم باید به گونه‌ای باشد که زمینه‌ی رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان فراهم شود و به دیانت، شخصیت، منزلت و سلامت روحی، فکری و جسمی آنان لطمه‌ای وارد نیاید. (نرم افزار، المكتبة الشاملة)

۸. ۱. وجود حریم و عدم اختلاط

اسلام به زنان اجازه‌ی شرکت در مجامع را می‌دهد؛ اما به منظور جلوگیری از فتنه دستور می‌دهد که در صورت امکان بین زن و مرد نامحرم حریمی ایجاد شود تا اختلاط صورت نگیرد.

در آن روزگار، مساجد محل تجمع عمومی مسلمانان بود. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) برای جلوگیری از اختلاط و ایجاد حریم بین زن و مرد در مسجد، دستورهای صادر فرمودند. از جمله آن که برای سهولت رفت و آمد زنان به مسجد، به یکی از درها اشاره کردند و فرمودند: «لو تركنا هذا الباب للنساء؛ خوب است این در را به زنان اختصاص دهیم.» (نرم افزار، المكتبة الشاملة) (البانی، ۱۴۰۸، ۵۱۳۱۴ و سجستانی، [بی تا]، ۵۷۱/۱۵۶)

بعدها عمر صریحاً مردان را از ورود و خروج از آن در، نهی کرد و اکنون این در به «باب النساء» مشهور است. (نرم افزار، المكتبة الشاملة) (سجستانی، [بی تا] ج ۱، ص ۱۰۹)

همچنین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از سلام نماز، کمی مکث می‌کردند و بلافاصله بر نمی‌خواستند. (نرم افزار، المكتبة الشاملة) (سجستانی، [بی تا] ج ۲، ص ۶۵۸ و بخاری، ۱۴۰۷، ص ۲۳۱) به تاسی از ایشان، مردان نیز چنین می‌کردند. (بخاری، ۱۴۰۷، ص ۲۳۲)

ولی زنان سریعاً از مسجد خارج می‌شدند. (بخاری، ۱۴۰۷، ص ۲۳۲))

در سنن ابی داود آمده است: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بیرون مسجد بود دید مردان و زنان باهم از مسجد بیرون آمدند رو به زنان کرد و فرمود بهتر است صبر کنید مردان بروند و بعد شما. (سجستانی، [بی تا] ج ۲، ص ۶۵۸)

این شهاب معتقد است مکث رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به این سبب بوده که زنان فرصتی داشته باشند تا زودتر از مسجد خارج شوند و هنگام خروج با مردها کمتر برخورد کنند. (سجستانی، [بی تا] ج ۲، ص ۶۵۸ و بخاری، ۱۴۰۷، ص ۲۳۱)

همچنین گفته شده است که رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) برای عبور از معابر و خیابانها نیز تدبیری اندیشیده بودند تا اختلاط را به حد اقل برسانند. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۱۸)

در باره‌ی خروج مردان و زنان از مسجد و رفت و آمد در کوچه‌ها فرموده است: مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۱۸)

از دیدگاه مذاهب اهل تسنن و عامه، اختلاط زنان و مردان نامحرم، امری نکوهیده و مذموم تلقی شده و سعی نموده‌اند با استناد به ادله‌ی مختلف، ممنوعیت اختلاط زنان را به اثبات برسانند. از جمله اینکه گفته‌اند: در قرآن کریم، از اختلاط و حضور غیر ضروری زن در اجتماع مردان منع شده است. ام سلمه می‌گوید: هنگامی که رسول خدا (ص) نماز جماعت را تمام می‌کرد، قدری مکث می‌نمود تا زنان خارج شوند. (نرم افزار، المكتبة الشاملة) (بخاری، ۲۳۵، ص ۱۴۰۷ الأزدی السجستانی، [بی تا]، ص ۶۵۹)

همچنین، رسول خدا پیشنهاد درب ویژه‌ی رفت و آمد زنان را داد.

اهل سنت اختلاط و حضور زن را در خارج از منزل جایز نمی‌دانند و اصرار دارند جای زن در خانه است و نخستین و آخرین وظیفه‌ی او شوهرداری و تربیت فرزندان می‌باشد.

رشید رضا می‌گوید: فطرت می‌طلبد که زن به بارداری و شیردهی و نگهداری و تربیت فرزندان و به کارهای خانه بپردازد. (رشید رضا، ۱۹۸۴، ص ۳۷) (نرم افزار، المكتبة الشاملة)

دکتر مصطفی سباعی در این زمینه معتقد است: تا زمانی که بر شوهر واجب است نفقه‌ی زوجه را بپردازد زن حق حضور در جامعه را ندارد و همچنین حاضر نشدن زن در جامعه باعث می‌شود جایگاه پاک او در اجتماع محفوظ بماند. (سباعی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳) (نرم افزار، المكتبة الشاملة)

مودودی دلیل جایز نبودن خارج شدن زن را اختلاط با مردان و به دنبال آن فساد در جامعه می‌داند. (نرم افزار، المكتبة الشاملة) (مودودی، [بی تا]، ص ۱۵۲)

کاسانی از فقهای بزرگ حنفی می‌گوید: از جمله حقوق مرد پس از ازدواج این است که زن در خانه بماند و کار نکند و تأمین نیازهای زن بر مرد است. (کاسانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۸۳۶) (نرم افزار، المكتبة الشاملة)

سرخسی نیز در المبسوط می‌گوید: به روشنی معلوم است زنان نمی‌توانند در جامعه حضور داشته باشند تا اینکه به دنبال آن اختلاط زن و مرد حاصل شود. (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۸۵). (نرم افزار، المکتبه الشامله)

۸. ۲. ادله‌ی اهل سنت برای اثبات ادعای خود

۸-۲-۱. دلیل اول: آیات قرآن

آیه‌ی اول: آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ...» مردان سرپرست زنانند؛ به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده است...

آیه‌ی دوم: آیه‌ی ۲۲۸ سوره‌ی بقره: «... وَ لَهْنَّ مِثْلَ الَّذِي عَلِيهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ...» ... برای زنان حقوقی شایسته است همانند وظیفه‌ای که برعهده‌ی آنان است، ولی مردان را بر زنان مرتبتی است.

واژه‌ی «فَضَّلَ» در آیه‌ی اول و «درجه» در آیه‌ی دوم به صورت مطلق، فضیلت و برتری را برای مردان قائل شده و اختلاط یکی از مصادیق این فضیلت است که زمینه ساز قوامیت مرد نسبت به زن می‌باشد؛ از این رو، این حق (حضور در جامعه) مختص مردان می‌باشد. مقتضای عقل نیز آن است که انسان‌های برتر و أفضل، متصدی امور جامعه و اشتغالات مختلف شوند تا از این طریق برتری آنها بر افراد زیر دست حفظ شود.

مقصود از این تفضیل، برتری جنس مرد بر جنس زن است نه جمیع مردان بر جمیع زنان. (رشید رضا، ۱۹۸۴، ص ۳۷) (نرم افزار، المکتبه الشامله)

پس اگر زنی از حیث علم و عمل، قوه‌ی بدنی و قدرت بر کسب، از شوهرش قوی‌تر باشد باز هم مرد بر زن برتری دارد. (ابن کثیر، ۶۲۷، ج ۱، ص ۵۰۳) (نرم افزار، المکتبه الشامله)

و زمخشری در الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (ج ۱، ص ۲۶۶) و آلوسی در روح المعانی (ج ۱، ص ۲۳) معتقدند: فضیلت مورد اشاره در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی «نساء»، فضیلت تکوینی مردان، و آن همان قدرت تعقل و تدبیر است که در مردان بیشتر از زنان وجود دارد. به مقتضای این نوع برداشت از آیه، مردان ولی و حاکم بر زنان هستند. در نتیجه، هیچ یک از زنان نمی‌توانند در جامعه حضور داشته باشند؛ زیرا در بسیاری از موارد، لازمی آن سلطه‌ی بر مرد یا مردان می‌باشد و همچنین غنای مالی زنان بر اثر اشتغال، با تفضیل و قوامیت مرد منافات دارد.

آیه‌ی سوم: آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب: «... وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...»؛ (احزاب، ۳۳، ۳۳) ای زنان پیامبر، در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید.

این آیه اگرچه به ظاهر، مختص به زنان پیامبر می‌باشد، لکن چون دلیلی بر اختصاص حکم به زنان پیامبر وجود ندارد این حکم به طریق اولی شامل تمامی زنان نیز می‌شود.

مطابق این آیه، تصدّی مشاغل و مناصب و حضور گسترده‌ی اجتماعی زن با توصیه‌ی مطلق آنها به استقرار در خانه منافات دارد و جز در مواردی محدود و خاصّ که شرع خروج زن از منزل را برای کارهای ضروری یا واجب اجازه داده، بقیه موارد تحت عموم آیه قرار می‌گیرد. از این رو، در مورد زنان، اصل بر عدم حضور در اجتماع و پرداختن به امور منزل و تربیت فرزندان و شوهرداری است و اختلاط زن مانع تحقّق این امور می‌باشد. (قرضاوی، ۱۴۳۴) (نرم افزار، جوامع الکلم)

همچنین آیه‌ی ۳۰ و ۳۱ سوره‌ی نور که به خودداری از نگاه حرام، پاکدامنی، حفظ فروج، مخفی نگاه داشتن زینت و رعایت حجاب در مقابل نامحرمان دستور می‌دهد.

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱)؛ (نور، ۲۴، ۳۰-۳۱)

به مردان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و فروج خود را حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است. و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار نمایند، و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه‌ی خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیشان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا دنباله‌روانی که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آنها هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد و جلب توجه کند) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید». (نعمتی، ۱۳۹۱) (نرم افزار، جوامع الکلم)

۸-۲-۲. دلیل دوم: روایات

روایت اول: «قال النبی (صلی الله علیه و آله): لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ إِمْرَأَةٌ؛ هنگامی که به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خبر رسید دختر کسرا، پادشاه ایرانیان شده، فرمودند: گروهی که زمام امور خویش را به دست زنی بسپارد رستگار نخواهد شد.» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۳۶ و ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۶۰ و نسائی، ۱۹۳۰، ج ۸، ص ۲۲۷) (نرم افزار، المكتبة الشاملة)

در استدلال به این روایت گفته‌اند که: زنان به دلیل غلبه‌ی احساسات بر قوای عقلانی، در تدبیر امور و اداره‌ی جوامع ضعیف می‌باشند و ریاست آنها بر دیگران موجب تزلزل و ناهماهنگی در امور و به تعبیر این روایت، موجب عدم رستگاری جامعه می‌شود.

در نتیجه اختلاط زنان و مردان با توجه به آیه یکی از اموری است که در بسیاری از موارد موجب واگذاری زمام امور مردان به دست زنان و تسلط زن بر مرد می‌شود. از این رو، واگذاری آن (حکومت) به زنان طبق این روایت جایز نمی‌باشد.

روایت دوم: «قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): النَّسَاءُ عَوْرَةٌ إِحْبَسُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ؛ آنچه از این روایت به دست می‌آید این است که اختلاط و ظهور زنان در جامعه که ناشی از اشتغالات زنان می‌باشد موجب مذمت و عار برای مردان است؛ پس لازم است آنها در خانه بمانند.» (ابن حنبل، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۶۷)

برخی با استناد به این روایت و روایات مشابه، قائلند که اصولاً مذاق شریعت و ارتکاز ذهنی مشرعان با حجاب و پرده‌نشینی زنان تناسب دارد و در غیر موارد ضرورت، تردد و اختلاط با مردان حرام می‌باشد. (مودودی، [بی تا]، ص ۱۵۲)

حضرت علی (علیه السلام) در وصیتی به فرزند بزرگوارشان امام حسن علیه السلام که در نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه (ترجمه فیض الاسلام) آمده، جمله‌ای بیان می‌کند که قابل استناد برای سخن فوق می‌باشد. آن حضرت در مورد زنان می‌فرماید: «... وَاكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ يَا هُنَّ...؛ آنها را در پرده نگه دار تا دیده‌شان به نامحرم نیفتد.»

از آن رو که حضور زن در جامعه اغلب موجب اختلاط زن با مردان اجنبی و نامحرم می‌شود، از اختلاط و اشتغال زنان نیز منع شده و لازم است زنان در محدوده‌ی منزل باشند.

روایت سوم: «عن أنس بن مالك، عن النبي (صلى الله عليه وسلم) أن رجلا خرج، وأمر امرأته أن لا تخرج من بيتها، وكان أبوها في أسفل الدار، وكانت في أعلاها، فمرض أبوها، فأرسلت إلى النبي (صلى الله عليه وسلم) فذكرت له ذلك فقال: «أطيعي زوجك» فمات أبوها، فأرسلت إلى النبي (صلى الله عليه وسلم) فقال: «أطيعي زوجك»، فأرسل إليها النبي صلى الله عليه وسلم: «إن الله غفر لأبيها بطاعتها لزوجها.» (طبرانی، ۴۳۹، ص ۱۶)

این روایت در برخی منابع روایی اهل سنت توسط انس بن مالک از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) نقل شده است، مطابق این روایت پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) درخواست مکرر اجازه‌ی زنی را که شوهرش او را از خارج شدن از منزل منع کرده بود و می‌خواست به عیادت پدر مریضش برود رد کردند تا اینکه پدرش مُرد و حتی بر جنازه‌ی پدرش هم نتوانست حاضر شود. این روایت یکی از قوی‌ترین مضمون‌ها را از دیدگاه اهل سنت برای عدم اختلاط زن و مرد نامحرم حتی برای زمانی کوتاه را داراست. (طبرانی، ۴۳۹، ص ۱۶)

روایت چهارم: ابو انصاری روایت کرده است که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در بیرون مسجد زنان را دید که در حال راه رفتن با مردان مختلط شده‌اند فرمود: «اسْتَأْخِرْنَ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكُنَّ أَنْ تَحْقُقْنَ الطَّرِيقَ عَلَيْهِنَّ بِحَافَاتِ الطَّرِيقِ» (روایت از ابو داود شماره حدیث ۵۲۷۲) درنگ کنید، چون شما نباید در وسط راه بروید (و با مردان مختلط شوید) بلکه باید در کناره‌های راه حرکت کنید. (نرم افزار، المكتبة الشاملة)

راوی گفته است «فكانت المرأة تلتصق بالجدار حتى إن ثوبها ليتعلق بالجدار من لصوقها به» با این دستور پیامبر (صلى الله عليه وآله) زنان چسپیده به دیوار راه می‌رفتند و گاهی به علت چسپیدن به دیوار لباس هایشان (در برآمدگی‌های دیوار) گیر می‌کرد.

روایت پنجم: ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بخشی از حدیث فرمود: «...وَاتَّقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَيْنِي وَإِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النِّسَاءِ» (روایت از مسلم با شماره ۷۱۲۴) از (ارتکاب گناه در رابطه با) زنان بهره‌ییزید چرا که اولین گرفتاری (مصیبت و بی‌دینی) بنی اسرائیل در رابطه با زنان بود. (نرم افزار، المکتبه الشامله)

روایت ششم: حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که فرمود: «مَا تَرَكَتُ بَعْدِي فِتْنَةٌ هِيَ أَضْرُّ عَلَيَّ مِنَ الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ» (روایت از مسلم با شماره ۷۱۲۱) بعد از خودم فتنه و مصیبتی زیان بارتر از (فتنه‌ی) زنان برای مردان به جا نگذاشته‌ام. (نرم افزار، المکتبه الشامله)

۸-۲-۳. دلیل سوم: قیاس اولویّت

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی کسی که با تأخیر به نماز جماعت رسیده، آمده است: هرکس چیزی از نماز جماعتش فوت شود پس باید تسبیح بگوید، زیرا تسبیح برای مردان است و دست زدن برای زنان. (نرم افزار، المکتبه الشامله) (ابن حنبل، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۷۹ و طوسی، ۱۴۱۳، ج ۳۳، ص ۶)

وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) زنان را از سخن گفتن در جمع مردان بازداشته تا زمینه‌ای برای انحراف نباشد، ممانعت از اختلاط زنان به طریق اولی صورت می‌گیرد، زیرا هم مشتمل بر حرف زدن است و هم مشتمل بر غیر آن. (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۳۳، ص ۶ و نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۰، ص ۱۴)

۸-۲-۴. دلیل چهارم: اصل عملی

شکّ و تردید در جواز یا عدم جواز اختلاط زنان موجب اجرای اصل عدم جواز می‌شود. از این رو، اگر هیچ یک از ادله‌ی قبلی بر عدم جواز اختلاط زنان را تمام ندانیم، عدم جواز مطابق اصل عملی است.

اما در فقه امامیه با وجود شرایطی خاص، اختلاط زنان و مردان مجاز شمرده شده و با استناد به ادله‌ی متعددی این معنا به اثبات رسیده است. ادله‌ی امامیه به دو صورت نقضی و حلّی (اثباتی) ارائه شده است. و ادله‌ی نقضی ناظر بر ادله‌ی اهل سنت و در جهت ردّ آنها می‌باشند و از آن جایی که به موضوع مقاله مربوط می‌باشد لازم می‌بینم به ادله‌ی نقضی اشاره کنم.

۸-۲-۴-۱. ادله‌ی نقضی

استدلال به تسلط مرد بر همسر خویش که در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی «نساء» اشاره شد، تنها بر تسلط مرد بر همسر خویش دلالت دارد و دایره‌ی شمول آن محدود به زندگی خانوادگی است. زیرا اولاً، شأن نزول آیه در ارتباط با مسائل خانوادگی است؛ ثانیاً، سیاق آیه‌ی مورد نظر نیز مربوط به زندگی خانوادگی و زناشویی است و سخن از تسلط مرد بر همسرش در قبالیّت‌هایی است که برای او انجام می‌دهد؛ زیرا انفاق بر زن از آن جهت که زن است تنها در محیط خانوادگی و از سوی شوهر صورت

می‌گیرد و هر دو علت قوامیت، که در آیه آمده، یعنی «بما فضل الله بعضهم على بعض» و «بما انفقوا من اموالهم»، با هم اساس حکم بر قوام بودن مرد است و عمومیت این علت که سبب تسلط مردان بر همه‌ی زنان در تمام امور می‌شود امری ناپسند است؛ زیرا از لحاظ شرعی مردان خارج از دایره‌ی زناشویی فقط در دو مورد بر زنان سیطره دارند: یکی حاکمیت و دیگری قضاوت، که هیچ کدام مانع اختلاط زنان نمی‌باشد.

همچنین استدلال به برتری، که ملاک قوامیت است، اگر عموم تعلیل «بما فضل الله بعضهم على بعض» پذیرفته شود در این صورت، ملاک قوام و سرپرست بودن فقط برتری است نه چیز دیگر. پس اگر در جامعه‌ای زنانی از لحاظ علم و تقوا و قدرت تحلیل و عقل و درایت برتر از مردان باشند لازم است بتوانند در جامعه حضور داشته باشند و لازمه‌ی آن اختلاط می‌باشد و اگر با مردان مساوی باشند نیز باید سپردن انواع مناصب و اشتغالات به آنها مجاز باشد. (نرم افزار، المكتبة الشاملة)

همچنین در استدلال آنها به آیه‌ی: «... للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن» باید گفت که طبق این آیه، زن و مرد در جهت اکتساب و استفاده از منافع آن یکسان می‌باشند و بدون دلیل نمی‌توان زن را از اختلاط (اشتغال)، که یکی از اسباب منافع است منع نمود.

و همچنین در استدلال به آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی «احزاب»، که گفتند آیه ظهور در اختصاص حکم به زنان پیامبر ندارد، باید گفت که آیه اختصاص به زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد، زیرا با خطاب «یا نساء النبی» شروع شده است، و اختصاص برخی احکام به زنان پیامبر حاکی از عظمت جایگاه پیامبر و اهمیت حفظ موقعیت و حریم آن حضرت می‌باشد، و زنان پیامبر نمی‌توانند به گونه‌ای عمل کنند که مورد نکوهش دیگران قرار گرفته و به تبع آن، موجبات اذیت و آزار پیامبر را فراهم آورند. البته اختصاص حکم به زنان پیامبر بدین معنا نیست که زنان دیگر می‌توانند متبرج باشند، بلکه ادله‌ی فراوانی، از جمله ادله‌ی مربوط به حجاب، تمامی زنان را از این امر باز می‌دارد، لکن این آیه ظهور در اختصاص به زنان پیامبر دارد و تعمیم آن به سایر زنان نیاز به دلیل دارد.

تاریخ گواهی می‌دهد که مخاطبان اصلی آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی «احزاب»، یعنی زنان پیامبر نیز محبوس در خانه نبودند و حتی پس از نزول این آیه، رسول الله (صلی الله علیه و آله) زنان خویش را به سفر می‌برد و از بیرون رفتن ایشان از خانه منع نمی‌کرد؛ به علاوه، زنان پیامبر در جامعه حضور فرهنگی و سیاسی داشتند و برای مردم نقل حدیث می‌کردند و حتی به این مطلب، علمای اهل سنت نیز اذعان دارند. ام سلمه همسر باوفای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مصلحت مسلمانان بسیار می‌اندیشید و از ادای نصیحت و ارشاد آنان به راه صواب کوتاهی نمی‌کرد. وی در دفاع از ولایت به مسجد رفت و در حضور خلیفه و حاضران گواهی داد. (ابن سعد، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۸۱)

۹. نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام، ارزش زن و مرد را از جنبه‌ی انسانیت، کرامت ذاتی و عزت مساوی می‌داند و به صراحت بیان می‌کند که هم زن و هم مرد می‌توانند مقامات معنوی را بیمایند و به مقام قرب و لقای خداوند برسند، ولی با این همه، نقش مرد و زن را مساوی نمی‌داند و برای هر یک نقش ویژه‌ای قائل است که با روابط مشروع، معقول و معروف، نقش این دو می‌تواند مکمل یکدیگر باشد، بنابراین، روابط مردان و زنان یا دختران و پسران و حدود و شرایط آن مشخص و در محدوده‌ی شریعت و قانون ممکن و عملی است. و اگر روابط مردان و زنان یا دختران و پسران بر خلاف شریعت و قانون باشد مستوجب مجازات و مشمول پیگرد قانونی می‌باشد. اصولاً روابط نامشروعی از قبیل اختلاط و... که میان زن و مرد نامحرم ایجاد می‌شود، روابط نامشروع پایین‌تر از زنا نامیده می‌شود که ممکن است مصادیق زیادی داشته باشد. روابط نامشروع پایین‌تر از زنا موضوعی است که در متون فقهی و حقوقی، بحث شده است. آنچه که در روایات و سخنان فقهاء مورد توجه قرار گرفته، عمل منافی عفت غیر از زنا است، اما از دلالت برخی از آیات و همچنین عقل می‌توان چنین برداشت کرد که روابط نامشروع نیز یک عمل حرام و قابل مجازات است.

فقه‌های امامیه با اختلاط و حضور زن در جامعه در صورتی که منجر به رابطه‌ی نامشروع نشده و خوف از گناه نباشد و همچنین در صورتی که باعث تزییع حقوق خانواده نشود، موافقت می‌کنند. اما همه‌ی فقه‌های مذاهب اربعه اختلاط زن و مرد نامحرم و حضور زنان را در جامعه جایز نمی‌دانند.

به طور کلی اختلاط زن و مرد با اساس اسلام و با فطرت زن و مرد و به خاطر نیروی کشش و جاذبه‌ی بین آن دو و به علت غیرتی که در درون مرد به ودیعه گذاشته است، منافات دارد.

در نهایت باید گفت که بین نظرات علمای مذاهب خمسسه در مجازات برخی از مصادیق روابط نامشروع پایین‌تر از زنا اختلافاتی وجود دارد ولی تا حدّ زیادی مذاهب اربعه مانند امامیه (شیعه‌ی اثنی عشری) حکم استمتاع مادون الفرج را مطلقاً تعزیر می‌دانند که این تعزیر در اختیار حاکم است و حاکم به حسب موارد عمل می‌کند و آنچه مهم است اینکه مفاد روایات وارده در مذاهب خمسسه دلالت بر نهی روابط نامشروع پایین‌تر از زنا دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

❖ نهج البلاغه.

الف) منابع فارسی

۱. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم، نشر طریق القدس، ۱۳۶۱ه.ش.
۲. بنی هاشمی خمینی، سیدمحمدحسن (گردآورنده). توضیح المسائل مراجع، قم، انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ه.ش.
۳. یاد، ابراهیم، جزوه‌ی حقوق و جزای اختصاصی، تهران، انتشارات حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ه.ش.
۴. دهخدا، علی اکبر و دیگران، فرهنگ دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ه.ش.
۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، و دیگران، پرسش‌های قرآنی جوانان (روابط دختر و پسر)، قم، انتشارات تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۶ه.ش.
۶. غفاری قمی، اسماعیل، نگاه مرد و زن از منظر اخلاق و فقه استدلالی، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۷. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم، انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۱ه.ش.
۸. محمدی نیا، اسدالله، بهشت جوانان، قم، انتشارات سبط اکبر، ۱۳۸۵ه.ش.
۹. مجتهد سیستانی، سیدمحمد، درسهایی از حجاب اسلامی، قم، نشر پیام حجت، چاپ اول، ۱۳۸۸ه.ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیرنمونه، ج ۱۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶ه.ش.

ب) منابع عربی

۱. الألوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، التّحقیق: علی عبد الباری عطیه، بیروت، الناشر: دارالکتب العلمیه، ۱۲۷۰ه.ق.
۲. البانی، محمد ناصر الدین، فهرس مسند الامام احمد، مصر، الناشر: المطبعة المیمنیّه، [بی تا].
۳. ابن اثیر جزری، جامع الکبیر فی علم البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۶۲۷ه.ق.
۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبد القادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ه.ق.
۵. ابن شعبه الحرّانی، الحسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول(ص)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۴م.
۶. ابن حنبل، احمد بن حنبل، مسند (کتاب الحدود)، تحقیق: حمید العظمی، بیروت، دارالصادر، [بی تا].

٧. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت، الناشر: دارالمعارف، ١٤٠٩هـ.ق.
٨. ابو بكر بن مسعود الكاسانى الحنفى علاء الدين، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، بيروت، الناشر: دار الكتب العلميه، [بى تا].
٩. السجستاني الازدرى، ابى داوود سليمان بن الاشعث، سنن ابى داوود، بيروت، طبع دارالكتب العربى، [بى تا].
١٠. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، ج ٩، بيروت، دارالقلم، چاپ اول، ١٤٠٧هـ.ق.
١١. بيهقى، احمد بن الحسين، السنن الكبرى، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٧هـ.ق.
١٢. ترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى، الجامع الصحيح (سنن ترمذى)، تحقيق: حسن نصار، بيروت، الناشر: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ١٤٢١هـ.ق.
١٣. رشيدرضا، محمد، المنار فى تفسير القرآن، بيروت: دارالفكر، ١٣٠٣هـ.ق.
١٤. حقوق النساء فى الاسلام، بيروت، المكتب الاسلامى، ١٩٨٤م.
١٥. زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التأويل، تصحيح: حسين احمد، مصطفى، بيروت، الناشر: دارالكتب العربى، ١٤٠٧هـ.ق.
١٦. سباعى، مصطفى، المرأة بين الفقه و القانون، دمشق، الناشر: مؤسسة الرسالة، ١٩٦٢م.
١٧. شمس الدين، السرخسى، المبسوط فى الفقه للسرخسى، بيروت، الناشر: دار المعرفة، ١٤٠٩هـ.ق.
١٨. طباطبائى يزدى، سيد محمد كاظم، عروة الوثقى كتاب النكاح، بيروت، الناشر: مؤسسة الاعلمى، [بى تا].
١٩. طبرانى، سليمان بن احمد الطبرانى ابوالقاسم، معجم الطبرانى الكبير (معجم الكبير)، بيروت، الناشر: مكتبة ابن تيميه، ٢٠٠٨م.
٢٠. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن (شيخ طوسى)، المبسوط فى فقه الاماميه، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٤هـ.ق.
٢١. جزيرى، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الاربعه، ج ٥، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ هفتم، ١٤٠٦هـ.ق/١٩٨٦م.
٢٢. حرّ العاملى، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه الاسلاميه، ج ١٨ و ١٤، تصحيح شيخ محمد رازى، تهران، المكتبة الاسلاميه، ١٣٨٧هـ.ق.
٢٣. فيض كاشانى، محسن، المحججه البيضاء فى تهذيب الاحياء، بيروت: نشر اعلمى للمطبوعات، ١٩٨٣م.
٢٤. قمى، ابو جعفر محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه «شيخ صدوق»، من لايحضره الفقيه، قم، انتشارات اسلامى، چاپ اول، ١٤٠٤هـ.ق.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفّاری، تهران، دارالکتب اسلامیّه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ه.ق.
۲۶. مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری، صحیح مسلم، بیروت، الناشر: دارالکتب العلمیّه، ۲۰۶ _ ۲۶۱ه.ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الانمّه الاطهار(ع) ج ۷۴، تهران، المکتبه الاسلامیّه، چاپ سوم، ۱۳۷۶ه.ق.
۲۸. مودودی، ابوالاعلی، الحجاب، کویت، الناشر: دارالعربی، [بی تا].
۲۹. نسایی، احمد بن شعیب، السنن الکبری (سنن النسائی)، تحقیق: عبد الغفّار سلیمان البنداری، بیروت، الناشر: دارالکتب العلمیّه، چاپ اول، ۱۴۱۱ه.ق.
۳۰. نجفی، محمد حسن «شیخ جواهری»، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، الناشر: دارالکتب اسلامی آخوندی، بی جا، چاپ سوم، ۱۳۶۷ه.ش.
۳۱. نوری طبرسی، میرزا حسین، «علامه‌ی نوری»، مستدرک الوسائل الشیعه و مستنبط السائل، بیروت، التّحقیق و التّشر: موسسه آل البيت(ع) لاحیاء التّراث الاوّلی، ۱۹۸۸م.

سایت‌ها

1. www.taghrib.org/www.lib.ahlolbait.com/www.tagrir.eshia.ir/www.dadkahi.net
2. www.hawzeh.net/www.ensani.ir/www.mojirco.com

مجلّات و مقالات فارسی

۱. نقوی، سیّد محسن، مقاله‌ی نظری به جرائم منافی عفت، مجله‌ی کانون وکلا شماره‌ی ۱۱۲، سال ۲۱، ۱۳۴۸
 ۲. شریفی حضارتی، امیر، مقاله‌ی نقد و بررسی ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، روز نامه‌ی اطلاعات، ۱۳۸۹
 ۳. پور زرین، علی، مقاله‌ی تحلیل موضوعی ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، دانشگاه مازندران، پاییز ۱۳۸۱
 ۴. قرضاوی، یوسف، مقاله‌ی مصافحه و دست دادن با نامحرم حکمش چیست؟ مترجم: نعمتی، احمد، ۱۳۹۱ه.ش
- مجله‌ی فقه، شماره‌ی ۲۳، ۱۳۷۹
۵. عابدینی، احمد، سیری در آیات حجاب، مجله‌ی فقه، شماره‌ی ۲۳، سال ۱۳۷۹-
 ۶. شاهرودی، سیّد محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل البيت (ع) ۱۴۲۶ه.ق -فاخر، مهدی، مقاله‌ی خانواده و ارتباطات اجتماعی، ۱۳۹۰ه.ش.